

باید هزینه زندگی در شهرهای بزرگ را بالا برد!

صفحه ۴

سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۳۹۶ | ۲۰ رجب ۱۴۲۸ | ۱۸ آوریل ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۱۲۸ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان



نامه آیت‌الله جنتی به سیف برای حل مشکل سپرده‌گذاران

صفحه ۱۶

Vol.09 | No.2138 | Tue Apr. 18, 2017 | ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال و ۱۲۱ روز گذشت

تیتراژ امروز

نماینده مردم ارومیه: منشأ کشتار مردم در حادثه اخیر سهل‌انگاری وزارت راه بود

سیل ناامیدی

بی توجهی دولت به کشته شدن بیش از ۴۲ هموطن در حادثه سیل آذربایجان روحانی درگیر پروژه‌های انتخاباتی است



صفحات ۴۰۲

نگاه‌امروز

دولتمردی بازی دستگرمی هست یا نیست؟

امیر استکی

روزهای گذشته بساط ثبت‌نام برای انتخابات ریاست‌جمهوری بسیار داغ و جذاب شده بود و در میان ثبت‌نام‌کنندگان تقریباً همه مدل آدمیزادی یافت می‌شد. سواى چهره‌های سیاسی مطرح و نیمه‌مطرح، تعداد زیادی از چهره‌های غیرسیاسی و گمنام نیز برای این رقابت بزرگ اعلام آمادگی کردند و متنوع بودن این طیف بخش بزرگی از پتانسیل رسانه‌ها را به خود مشغول کرده است و تا حدود زیادی به معرکه‌ای طنزآلود بدل شده است. اما ای کاش مسائل کشور همه از همین نوع بود و می‌شد با مشغول شدن به آنها ساعت‌ها سرخوش و روبه‌راه بود ولی در واقعیت، مسائل کشور این روزها چهره‌ای عیوس و برپیچ و تاب دارد و فوریت و وخامت اوضاع بخشی از مشکلات کشور، هیچ جایی برای اتلاف وقت در مسائلی که سر و ته آنها از همین الان مشخص است باقی نمی‌گذارد. اگرچه می‌توان با دقت در تصور بسیاری نخبان کنونی کشور از سیاست و مملکت‌داری، در این‌باره تحلیل دیگری نیز داشت که در انتها به آن اشاره‌ای گذرا خواهیم کرد.

لشکر بیکران کشور هنوز بیکران و منتظر چرخیدن کلیدها در قفل‌های کشورند، تولیدکنندگان داخلی به سکنه افتاده‌اند و یکی یکی رو به قیله می‌سوند، بانک‌های کشور به مدد عدم شفافیت بسیار بالای کنونی دربراه وضعیت‌شان کامکان سر پا هستند و چون بردهای عدم شفافیت بیفتد ملت قطعاً شوکه خواهند شد، برجام هم که قرار بود در قامت پهلوانی روبین‌تن به جنگ همه مشکلات کشور بیاید و بیروزمندان کاستی‌ها را رفع و رجوع کند این روزها به قول ریاست محترم جمهور به طفلی می‌ماند که باید از کینه‌توزی هووها در امان نگاهش داشت و خدا می‌داند این طفل نحیف مظلوم مقدر زمان برای رشد و بالندگی نیاز دارد و خلاصه‌نفا نمی‌شود از آن انتظار گشایشی داشته. مسائل البته فقط اینها نیستند

و ذکر این چند قلم فقط از باب تذکر بود که ای‌هالاناس! به فکر نان باشید که خربزه آب است و اگر با همین دست فرمان جلو برویم نه از تاک، نسلانی خواهد ماند و نه از تاک‌نشان. آن وقت دیگر بسیاری از این بحث و جدل‌های آبکی نه تنها موضوعیت نخواهند داشت بلکه باعث شرمساری و نشانه حماقت خواهد بود. اگر چه آنهایی که مسؤولیت دارند، از این وضعیت ناخرسند نیستند، چرا که تا حدود زیادی فشار پاسخگویی را از دوش آنها بر خواهد داشت و تا ماه‌ها مسائلی فوق‌العاده فرعی را به میدان توجه ملت وارد خواهد کرد.

حال اگر نخواهیم مشغول اتسل مثل‌های سطحی سیاسی باشیم، باید بیش از آنچه اکنون در رسانه‌های کشور می‌بینیم به مسائل اصلی کشور بپردازیم. آنچه بررسی وضعیت دولت یازدهم در عرصه مدیریت کشور نشان می‌دهد، نوعی گریز از مسؤولیت‌های کلان است. یعنی کلیت دولت و زیرمجموعه‌های آن در حیطه عملکرد خود همواره مایلند از زیر بار مسؤولیت عملکردشان بگریزند.

شاه‌کلید این گریز هم گزکی است که از سال‌های آخر دولت دهم در دست دارند و مدعی‌اند کامکان عمدتاً تقصیر بر گردن ضعف عملکرد دول پیشین است و هر آنچه جواب نمی‌دهد را باید در عمق ویرانی‌های به جا مانده از دوران نفر قبلی دانست.

ادامه در صفحه ۵

اصلاح‌طلبان درباره کاندیداتوری اسحاق جهانگیری چه می‌گویند؟

وضعیت اضطراری

صفحه ۲



بازی سه سر باخت

حاضر است. دوم اینکه در آن انتخابات روحانی مدیون چهره‌هایی مثل هاشمی بود که به هر حال یک چهره قدرتمند سیاسی و شناخته شده بود اما در این انتخابات وی مجبور است رهین منت فردی مثل جهانگیری شود که بین او و هاشمی در اهمیت، قیاسی مع‌الفارق وجود دارد بنابراین در احتمال اول شیرینی پیروزی روحانی از لحاظ اجتماعی چندان دلچسب نیست بلکه تلخی‌هایی به خود وی داشته باشد، پیامی سلبی ظاهر به «ناکارآمدی روحانی» و «عبور» حامیان وی از او دارد که طیف متبوع سیاسی‌اش را از چارهای دیگر اندیشیدن ناگزیر کرده است.

در حالت دوم و با فرض فرمالیته بودن حضور جهانگیری به‌عنوان رقیبی جدی برای روحانی و لحاظ کردن غایت «ضربه‌گیر» به‌عنوان دلیل اصلی کاندیداتوری وی، باز هم جز این برمی‌آید که هواداران روحانی آن اندازه به ناکارآمدی و در نتیجه ناتوانی روحانی در دفاع از عملکرد خویش اذعان دارند و به این باور رسیده‌اند که روحانی به‌تنهایی از پس پاسخگویی به انتقادات وارد بر عملکرد خویش بر نمی‌آید، که به منظور صیانت از وی بویژه در مناظرات انتخاباتی «سپر بلا»یی در قند و قامت «معاون اول» - برای وی تدارک دیده‌اند تا یار و یاور باشند او را در مصافی که حریفان با دست پر به میدان می‌آیند. روحانی ثابت کرده صرفاً مرد تریبون‌های یک نفره و میدان‌های خالی از رقیب است و تنها در چنین فضایی قادر به ترک‌تازی است آن هم با زبان گزنده و آلوده به توهین و تحقیر منتقدان! همین که پس از گذشت ۴ سال از دولت وی هنوز که هنوز است هیچ‌یک از دولتمردان شهامت حضور در برابر منتقد نداشته و تنها در برنامه‌های یک طرفه قادر به تبیین و دفاع از دستاوردهای دولت بوده‌اند، خود بزرگ‌ترین گواه این مدعاست که اگر حرفی برای گفتن و چنته‌ای به راستی بر داشتند، آنان را از حضور در برابر اندیشه‌های دیگر هراسی نبود! گذشته از آنکه فرستادن «کاندیدای پوششی» برای روحانی تمام ریشه‌های پیام تنها آمدن وی به ستاند انتخابات را که به‌زعم ایشان حکایت از آن داشت که ای‌کتنه بقیه رقیبان را حریف است نیز پنبه می‌کند!

خلاصه‌ها هر جور حساب کنی ورود جهانگیری به عرصه انتخابات پیامی جز «ناکارآمدی و ناتوانی روحانی» به همراه ندارد، و آنکه می‌پنداشتند قاتق‌نان‌شان است، می‌شود قاتل جان‌شان! مگر اینکه پیش از آغاز رقابت اعلام انصراف کند، که آن هم بعید است!

ناشناخته‌ای بود و وی در قامت یک نامزد انتخاباتی مانند دیگر کاندیداها در آن شرکت داشت و اکنون به عنوان رئیس‌جمهور مستقر در انتخابات دوازدهم

نما

سندی برای ناکارآمدی روحانی

سیده‌آزاده امامی: در طول تاریخ حیات جمهوری اسلامی، این نخستین‌باری است که معاون اول یک رئیس‌جمهور برای دوره دوم دولت وی، علیه رئیس خود طغیان کرده و به‌مثابه رقیبی در مقابل او قد علم کرده است!

شاید همین ابتدای کار ما را متهم کنند به ساده‌اندیشی و درنیافتن غایت اصلی نهفته در پس رفتار سیاسی دولتمردان دولت به اصطلاح تدبیر! راستش را بخواهید توفیری هم نمی‌کند؛ معاون اول دولت به هر نیتی وارد کارزار انتخابات شده باشد، خروجی آن یک پیام بیشتر نخواهد داشت؛ آن هم «ناکارآمدی و ناتوانی روحانی»! حضور جهانگیری در عرصه رقابت برای انتخابات آتی ۲ حالت بیشتر ندارد؛ یا حقیقتاً به قصد رقابت با روحانی اعلام کاندیداتوری کرده و مصمم است تا روز انتخابات به‌مثابه رقیبی جدی در صحنه مانده و خود را در معرض آرای ملت قرار داده و گوشه چشمی هم به پیروزی داشته باشد، یا آنکه به تعبیر این روزها باب‌شده در قامت یک کاندیدای «پوششی»، یا «ضربه‌گیر» و «کمکی» به میدان آمده‌تا در مواجهه با منتقدانی که با دستی پر به کارزار انتخابات می‌آیند، چنان «سپر بلا»یی روحانی را تا حدی از گزند انتقادات پر و پیمان رقیب مصون بدارد.

در حالت اول و به فرض جدی گرفتن حضور جهانگیری به‌مثابه رقیبی حقیقی، این حضور پیامی جز این نمی‌تواند داشته باشد که جناح سیاسی حامی روحانی با نگاهی واقع‌بینانه و فارغ از خودرغیبی و غرور به کارنامه روحانی و رصد بازتاب این عملکرد و جایگاه حقیقی وی در افکار عمومی، به درستی به این باور رسیده است که با وجود کارنامه‌ای چنین مشحون از ناکارآمدی نمی‌توان و نباید به تلاوم دولت روحانی برای ۴ سال آینده «مدید» داشت؛ از این روست که بر آن شده تا پیش از آنکه ملت دست رد به سینه آنها بزند، «تدبیر»ی دیگر ببیندیشد عدم اقبال دوباره به روحانی را، این است که با به صحنه آوردن جهانگیری به نحوی تلویحی از کارنامه ناکارآمد روحانی اعلام برائت کرده، این پیام را به ملت مخابره می‌کند که با معرفی گزینه جدید و جایگزین درصد جبران مافات ناکارآمدی دولتی برآمده که به لحاظ اندیشگانی وابسته به ایشان است، تا به این ترتیب با جلب اعتماد

رفت. اما این بار پیروزی با کمک جهانگیری با پیروزی در انتخابات ۲۰۹۲ تفاوت دارد. اول این است که در آن انتخابات روحانی کاندیدای

یادداشت امروز

کاش «مکمل روحانی» کارنامه‌اش بود

ثبت‌نام جهانگیری رکورد دیگر روحانی!

حسین قدیانی

یکم: زمستان سال گذشته، به آخرین ماه خود رسیده بود که بعضی رسانه‌ها، ضمن انتشار خبر دیدار معاون اول رئیس‌جمهور با اصلاح‌طلبان، از قول جهانگیری چیزهایی نوشتند که مختصرش می‌شود این: «وضع دولت اصلاً خوب نیست؛ روحانی هم در جریان امور نیست!» جهانگیری اما خیلی زود، انتساب این حرف‌ها به خود را تکذیب کرد یا شاید هم مجبور به تکذیب شد! دوم: از نخستین روزهای سال جدید تا همین چند روز پیش، هر وقت شماری از جماعت موسوم به اصلاح‌طلب، صحبت از نامزد پوششی برای کسک به روحانی در مقطع تبلیغات انتخاباتی می‌کردند، شمار دیگری از این جمع که نزدیکی بیشتری با روحانی داشتند، نه فقط علیه ایده «نامزد پوششی» گارد گرفتند که حتی اقدام کردند به کری خواندن: «دولت یازدهم آنقدر کارنامه درخشانی دارد که روحانی یک تنه، همه رقیب را حریف باشد!» القضا: ثبت‌نام تک و تنهای حسن روحانی، نشان داد که رجز خوانده شده، گویا در عرصه عمل هم قرار است تحقق پیدا کند! فردای این ثبت‌نام، یکی از زنجیره‌ای‌ها در ستون سرمقاله خود نوشت: «کم و کیف حضور حسن روحانی در وزارت کشور، به همه گمانه‌زنی‌ها پایان داد. رئیس‌جمهور، نه تنها احتیاجی به نامزد ضربه‌گیر ندارد، بلکه در دفاع از کارنامه دولت، زبانی حتی برنده‌تر از بهار ۹۲ خواهد داشت!»

سوم: به حسب ظاهر، همه چیز داشت خوب پیش می‌رفت که در آخرین ساعات روز آخر ثبت‌نام، ناگهان فردی وارد وزارت کشور شد که در شناسنامه‌اش، جلوی نام، نوشته شده بود: اسحاق! و جلوی نام خانوادگی، جهانگیری! آری! خودش بود: اسحاق جهانگیری! معاون اولی که با ثبت‌نام خود به عنوان نامزد انتخابات، «کوردهای روحانی» را تکمیل کرد! چرا که پیش از این، سابقه نداشت با وجود نامزدی رئیس‌جمهور وقت، معاون اولش هم بخواهد اعلام کاندیداتوری کند! چرا که روز قبش، حسن روحانی در اظهار نظری محیرالعقول که البته اغلب مردم، آن را به «مطایبه» تعبیر کردند، خبر از کوردهای دولت اعتدال داد! این یکی اما به معنای درست کلمه، یک «کورد» بود! و هیچ هم مطایبه نبود! برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری، علاوه بر رئیس‌جمهور، معاون اولش هم ثبت‌نام کرده! معنای این حرکت بی‌سابقه و اقدام نوبرانه اما چه می‌توانست باشد!؟

چهارم: روزنامه‌نگاران صاحب‌تحلیل، خیلی زود دست به قلم شدند! یکی شان اما مختصر و مفید، نوشت که قفسیه از ۲ حالت، خارج نیست! جهانگیری، یا نامزد شده که در ایام تبلیغات، به روحانی کمک برساند و بعد هم به نفع مقام مافوق، بکشد کنار، یا نامزد شده که اگر دید جو دارد علیه روحانی پیش می‌رود، تا آخر در صحنه بماند! هر ۲ حالت اما مؤید یک نکته واحد است: اعتراف از درون کابینه، به کارنامه غیر قابل دفاع دولت اعتدال، نیز اذعان به ناتوانی روحانی در مقام دفاع از دولت یازدهم!

پنجم: جبارت «وضع دولت اصلاً خوب نیست؛ روحانی هم در جریان امور نیست»، اگر چه چند هفته پیش توسط اسحاق جهانگیری «تکذیب» شد اما چند روز پیش و با ثبت‌نام وی، پرسش‌ها «تایید» شده! معاون اول دولت اعتدال، باید توضیح دهد که اگر وضع دولت، خوب است و رئیس دولت، هم در جریان امور است و هم در جریان اصلاحات، پس با کدام هدف، نامزد انتخابات شده؟! واضح است که مافوق ایشان در کابینه اعتدال، مشکلی بابت بیان ندارد؛ پس بسا وجود نامزدی حسن روحانی، نامزدی اسحاق جهانگیری، چرا؟! و!

با چه هدف؟! واقعاً قرار است معاون اول، چه تقلبی به رئیس خود که رئیس‌جمهور مستقر کشور است، برساند؟! اصلاً آمده برای کمک، یا قرار است رسماً رقیب روحانی باشد؟! آمده تا در هر صورت، «رفیق روحانی» باقی بماند یا در «حالت اضطرار»، بماند تا روز انتخابات؟! خروجی همه این پرسش‌ها اما «یک جواب» است! همان که باری در حرف، توسط جهانگیری تکذیب شد و باری در عمل، توسط وی تایید بخوانید: «وضع دولت اصلاً خوب نیست؛ روحانی هم در جریان امور نیست!»

ششم: بار این پرسش‌ها اما آنقدر بر دوش جهانگیری سنگینی کرد که معاون اول روحانی، خیلی زود، مجبور به واکنش شد: «من مکمل روحانی هستم!»

ادامه در صفحه ۵